

بیاوردند تعالی الاجاره را نیندیند المحدثینا که الاتی و یناه کرش و من یعص الله
و یصوبه و هم که گناه کاری شود و بی فواید شود خدای تعالی را و رسول و بر قاتل که
نادیده است هر کس بدستی که بر باشد اشرف و من خالدين فيها ابدا و از باشد
در اشرف و درخ همیشه یعنی هر که فرزند و ایمان بخدای تعالی در رسول وی نیاید همیشه در دنیا
باشد محفوظ باشد من ذلک و از عصیان با او است من شرطیه لهذا جزم یعنی بخدای
ایله فان ذلک جزاؤه و حد الضیق فی نظر اللفظ منی و جمع خالدين نظر الی المعناه و موطن
مقدوره ای ثبت لهم بدرجه مقدرین الملو و فیما علی انفسهم حتی اذا اذوه ما یوعدون
ای آنچه که گنیم الله تعالی یعنی الله تعالی مهلت داده است این کارها تا چون که بویستند
چیز داده می شوند بدان معنی تفریح تعالی را ایشان نیستند در دنیا و عقبی فسیح علی
منی اصعفا ناصر و اقل عدد پس بدستی که بر آید یا زود بود که بداند گنیمت
نست تریاری گنیمده وی و گنیمت کمتر شمارا لشکری و این جنان بود که از آن گنیمت
ای محرفی بزرگ پیشتر گرفته و در عالم بود و شمن اند و تریاری گنیمده هست و لشکر
نزاری با بر تو می ترسیم از آن دعوی پشامبری با زکر و تا تا مضرت که بر حق تعالی در روز
بیز بایشان نمود و در آخرت نیز با بایشان که بدو و بسیاری یادی که است الضعفا
مست شدن علی بعلون الاستغفار بعد از توبه و گناه و اعتدال امن است الخیر ان من

اصعفا چون کاران گنیمتند که آن خواهد بود که عذاب بیا بدانی است اید الی الی الی
بگوی محمد بن عبدالمعز اقرب ما نوعدون که گنیمت آنچه بود که در وی نوسند و بوم
بی شود بر آن عذاب حق تعالی یا در راست آنچه که در حق تعالی که پیدا کرده است
الله تعالی بر آن عذاب را و قتی معینی یعنی من عبدالمعز نامن خبر کرده شد م و در راست بر عذاب
یا زودیک عالم الغیب ای سو عالم الغیب یعنی الله تعالی غیب را میدانند فلا یطهر
حاجبیه احدک ایس و انما کرد و اندر عیب خود هیچ کس الا من ارتضی من
کو کسی را که بسند از سخامبران که او را بغیب و انما کرد و اندر بوجی یا باهام یا بشاید
اسباب یا نجاب صاحب کشف گنیمت است که در آن آیت ابطال کرده است از بدست
انگانی که گنیمت برانست کرده می شود و ایشان که بر گنیمت بدیده باشد انما رسول گنیمتند
و عبارت هذو فی هذا ابطال الکرامات لان الذین تصاف بهم وان كانوا اولیا و صحابین
فلیسوا برسول الی آخر بدایم معتزله کرامات اولیا را مسکرتند و ان مسکین از ایشان بدیده
امام محمد الرقی را زاری و پراهمکین می گوید حق مذنب است و جماعت است کرامات
مذنبین نیستند چنانکه در کلام مذکور است و این آیت دلالت بر ابطال کرامات میکند
بر تقدیر تسلیم کرد و لالت گنیمت بریک نوع اطلاع بر عیب و لالت گنیمت بر جمع و بدایم
انکار اطلاع بر عیب بر غیر رسول مصطلح را انکار نفس قرآن است قال الله تعالی و

أخذ

انکار کرامات